



۲۰۱۹/۰۱/۲۴



م. اسحاق نگارگر

بچاره مردم افغانستان



آنجا که سرزمین صد رنگ اتهام است و آنجا که در باره درستی و نادرستی اتهامات هیچ بازخواستی نیست: بیچاره مردم افغانستان! با قبول صد درد سر رفتند و در صندوق های کاندیدان رأی ریختند و همه امیدوار بودند که سیزده سال دوران وعده های دروغ را پشت سر می گذارند و صفحه تازه ای از تاریخ خود را باز می گشایند و بعد از این دولتمردان در برابر مردم احساس مسئولیت خواهند کرد و بالاخره از پی یک شب دراز و تاریک صبحی روشن طلوع خواهد نمود.

از همان روز های اول انتخابات سر و صدای تقلب در انتخابات نیز اوج گرفت و یک جناح، جناح دیگر را به تقلب گسترده متهم کرد و کمسیون انتخابات نیز از این اتهام بی بهره نماند.

آری یک اتهام مطرح شده بود. این اتهام یا راست بود یا دروغ اما در هر صورت نیاز به تحقیق و پرس و پال داشت. اتهام پس از تحقیق و جست و جوی کافی یا باید تأیید می شد و یا باید تکذیب. ولی نه این شد و نه آن و به جای آن زمینه یک مداخله غیر لازم و غیر قانونی کشوری که پول داده بود و به همان دلیل خود را صاحب اختیار در امور کشوری که اشغال کرده بود می دانست، فرا خوانده شد و متأسفانه هر دو جناح مانند گوسپندان گرگی شده جرأت نکردند که تحقیق آن اتهام را مطرح می کردند و حقیقت را به میدان می آوردند ولی در عوض بلی صاحب گویان راه یک مصالحه را در پیش گرفتند.

این مصالحه اگر بعد از کشف حقیقت ماجرا صورت می گرفت چندان بدی نداشت اما در حالی که هر دو طرف خود را برنده می پنداشت و می خواست که کیک کابینه را به صورت نصف لی و نصف لک (نیم از من و نیم از تو) تقسیم کند این بالطبع بحران به وجود آوردن کابینه را ژرف تر و بحث انگیز تر می ساخت که ساخت. در حالی که مردم از دولتی که به وجود می آمد، سرعت عمل و پاسخ دهی به مشکلات اساسی کشور را می خواستند و هر روز که از خواب بر می خاستند سرود معروف

(از بالا او میایه ++ بوی پلو میایه ++ خانه ره جارو کنین ++ اروس نو میایه)

را می خواندند بالاخره عروس نو از راه رسید اما چه عروسی – عروسی که اگر دیگر آرایش هایش را کنار بگذاریم حتی به لیسرین هم نمی ارزید. این کابینه که همه چیزش تقلبی بود در راه شورا باران بی اعتمادی بر سرش باریدن گرفت و همه چیزش را با خود بُرد. آن باران بی اعتمادی اتهام های تازه تر را با خود باز آورد. یکی از کاندید وزیران بر شورا اتهام زد که از وی پنجاه هزار دالر خواسته اند و بیش از چهار صد نفر را لست داده اند که در مربوطات وزارت خود به کار بگمارد. یکی از وزیران نیز چشم انتریپول را غیل داده به کابینه پناه آورده بود و دیگری که تازه سالهای تین اجرایی را به دنبال گذاشته است برخلاف همه خانم ها که تلاش می ورزند در سال های عمر خود دندی زده تا پانزده سال خود را جوانتر جلوه بدهند و برای این منظور از هفت هزار و هفت صد و هفتاد و هفت نیرنگ آرایشی کار می گیرند این بیچاره به خاطر گل روی وزارت بزرگترین ایثار نموده و سن خود را بالا بُرده بود. باز یازده وزیر دیگر نیز در باره پاسپورت دوگانه خود سکوت کرده اند. حالا سوال اساسی این است که جناب رئیس جمهور و رئیس اجرائی از این موضوع خبر داشته اند و آنان نیز مهر سکوت بر لب زده اند یا آنان نیز از ماجرا بی خبر بوده اند.

در صورت اول آنان نیز شریک گناه وزیران خود بوده اند و در صورت دوم برخلاف وعده ای که به مردم داده اند در انتخاب اشخاص دقت لازم نکرده اند. معمولاً قانون باید به صراحت و روشنی حرف بزند. اگر قانون گفته باشد که شورا می تواند به وزیر یا وزیران دو تابعیته نیز رأی اعتماد بدهد بدبختانه در این صورت راه رشوت را برای وکیلان باز کرده است و تلویحاً می گوید: "وزیری که بتواند برای یک یا چند وکیل پنجاه هزار دالر رشوه بدهد می تواند بدون گفت و گو رأی اعتماد بگیرد.

در جا های دیگر وقتی یکی به دیگران اتهام وارد می کند، آن اتهام را در برابر محکمه با صلاحیت باید ثابت کند و جرم متهم را آفتابی بسازد. تنها در همین صورت است که افراد نمی توانند بدون مسؤولیت قانونی و اخلاقی بر دیگران تهمت بزنند و اگر اتهام تا مرحله ثبوت دنبال شود مردم می دانند که قانون نمُرده است و بازخواست وجود دارد.

به قول شیخ شیراز

نگفته ندارد کسی با تو کار ولیکن چو گفتی دلایل بیار

شاید جناب رئیس جمهور و رئیس اجرائی این کابینه را به اصطلاح برادران گُرد ما در عراق به صورت پیشمرگه به شورا فرستاده باشند تا به معاونین خود بفهمانند که وقتی آنان اشخاص مورد پسند خود را بر ما دو تن تحمیل می کنند خود مسؤولیت پذیرفته شدن شان را در شورا نیز باید به دوش بگیرند. فاعتبروا یا اولی الابصار. پنجشنبه ۲۲ جنوری ۲۰۱۵ برمنگهم برتانیه نگارگر



تذکر: ه

رگه خوانندگان محترم متمایل باشند که نبشته ها و سروده های دیگری از این نویسنده بزرگ را مطالعه کنند، می توانند با "کلیکی" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به "آرشیف" شان رهنمائی شوند!